

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

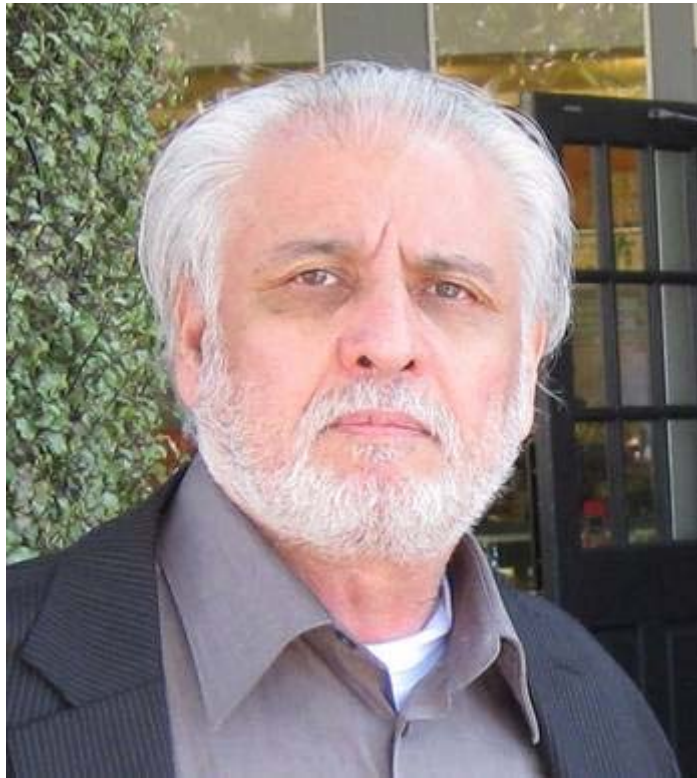
چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی



نویسنده : سید موسی هستی مارک توین افغانی

## کدام کاندید در بین مردم بدون کلشنکوف میگردد؟

این مقاله دو موضوع دارد که موضوع اول آن معلومات تاریخی است و در موضوع دوم هویت بی نقاب داکتر عبدالله عبدالله را معرفی میکنم و هم خواهشی از سترجنرال نبی عظیمی دارم که واقعاً یک نویسنده خوب و مورخ وطن است با قوانین تاریخ نویسی آشنایی کامل دارد البته یک پیام به آقای وکیل وزیر خارجه اسبق هم دارم و چند مساله ناگفته دیگر که همه آن را در ضمن همین یک نوشته می خوانید :

۱- این مقوله هر که بامانیست بادشمن مااست، حرف بوش نیست. ریشه تاریخی دارد. تمام سیاست مداران بعد از جنگ دوم جهانی تا امروز کوشش کردند. مخالفین خود را برترسانند و سوء استفاده از این جمله کنند.

۲- هر کاندیدی که حمایت از حکومت دین می کند، اگر ملیت های افغانستان را کودن فکر کرده، ملیت های ماکودن نیست، ملیت های افغانستان توان مبارزه را بخاطر از بین بردن حکومت دین که سرشان تحمیل شده

فعلآندارند، خود همان کاندید کودن است که فکرمی کند، با این نوع تبلیغ ملیت های شریف مارا فریب می دهد. و یا به اصطلاح برادران ایرانی ما خرمی سازد. و به مقصد خود می رسد.

۳- عاشقان قباحه پیشه به کشتار و کلشینکوف شعر گفتند و کشتند و من بر قربانیان کلشینکوف شعری سرودم که مشخصات آنها بدست تاریخ نویسان درج تاریخ شود. نفس گرم این شعر را در تاریخ دست نویس خود گرم نگه دارند. که این شعر در حقیقت منارگمنام شهدای آزادی وطن است که تا حال بنامش چنین مناری بنیاد نشده.

کاندیدان ریاست جمهوری سرود کلشینکوف خوانده اند و میخوانند ملیت های افغانستان را چشم کور و گوش کرفکر کرده اند و سینه های شان را با کلشینکوف ها می درند بخاک و خون یکسان شان می کنند و سرود بیشتر مانده کلشینکوف را میخوانند.

من اولین کسی بودم که به ملیت های افغانستان گفتم هیچ انتخابات و هیچ لوی جرگه ای بخاطر آزادی افغانستان شفاف نبوده. تا زمانیکه یک ملت قدرت سیاسی و سرنوشتهش به دست خود ملت یا ملیت های آن سرزمین نباشد. انتخابات شفاف و هرنوع گرفتن تصمیم بی ثمر است.

این نوع انتخابات سرگذشت تاریخی وطن را لکه دار می سازد، تاریخ با آبرو به نسل های بعدی شده نمی تواند. ولی ثمرش به کودکستان های نسل های بعدی شده می تواند.

در این روزها که جریان انتخاباتی روز بروز داغ ترمی گردد! استعمارگران که طومار سیاستهای خود را در این سرزمین کورگره زده اند. هرکس به نوبه خود میخواند، بیخبر از سیاست استعمارگران کهن.

سیاست مداران ماکه سیاست را پیش ارباب قریه و محل خود آموخته و ازدود و آتش کلشینکوف در فضای سیاست بر خود مطلب درست می کنند. فهمیده و یا ناهمیده و یا دستوری این جا و آن جا حرف می زنند و بخاطری که خود را در سیاست های موجوده انتخابات مطرح کرده باشند، خصوصاً سایت های وطن پرست و خاین نویسندگان ژورنالیستان آگاه و غیر آگاه بعضی از آنها می دانند که در این انتخابات غیر متجاوزین و استعمارگران، تاجران دین بخاطر مستحکم ساختن ظالمانه حکومت دین و مذهب خصوصاً مذهب نجس و هابی آن، قاچاقبران انسان، مواد مخدر، فحشاء و قاچاقبران بین المللی، مجاهد ساختن آس آی، القاعده، طالب، حزب دموکراتیک خلق، پنجاه و دو حزب ابتکاری زمان داکتر نجیب، احزاب راجستر شده وزارت عدلیه دولت موجوده، شورای نظارگوی درگو، جبهه متحد ملی بی سرو سامان چپ و راست، شاه پرستان در حاشیه رفته، چپی که از چپ چپ چپ " حزب دموکراتیک خلق جدا شده و یا هنوز طبل کهن می زند" یا از چپ دست و زبان درازی که در جریان شعله جاوید بودند و مرتد شده اند. دستگاه های جاسوسی دنیا و خصوصاً همسایه های افغانستان در این انتخابات خود را داخل می دانند، و به نفع خود تلاش دارند تا جای پای برای خود در دولت آینده پیدا کنند، بعضی استعمارگران و خاینین داخلی بر مشروعیت و غیر مشروعیت شفاف بودن و غیر شفاف بودن و یا بخاطر شگفت و پیروزی این انتخابات به کمک مزدوران داخلی خود در تلاش هستند.

خلاصه با صراحت باید گفت: به بازی کردن دست های پشت پرده هم ملیت های افغانستان معتقد است و هم استعمارگران و دول نظاره گران این دست ها در انتخابات افغانستان بی خبر و انکار کرده نمی توانند.

۱- یکی از ژورنالیست های خود ساز کلشینکوف در جهادی در سایت آزمون ملی خواسته که به ملیت های افغانستان قسمی خود را مطرح کند که این آقا هم جریانات انتخابات را دنبال می کند و در سیاست افغانستان صاحب نظر است!!! خدا او را که هم به ملت ما غنیمت است از نظر گاو و گوساله نگهدارد. بیخبر از یک مقوله که ریشه تاریخی دارد سر مخالفت کرزی و جنرال و ارخطا عطا محمد نور جنگسالار مشهور غاصب قدرت، رقیب سرسخت رشید دوستم از جمله مجاهدین سر بکف وطن فروش جمعیت اسلامی قاتل ذبیح الله هم رزم خود ش مجاهدین ساختن آس آی سازش گرمشهور با استعمارگران مقوله که بوش زمانی بکار برده بود این ژورنالیست بخاطر بزرگ جلوه دادن عطا محمد نور مزدور شناخته شده بکار برده.

مقوله که بوش در زمان اول روزهای تجاوز خود در افغانستان و عراق بخاطر سرکوبی طالب و القاعده بکار برده بود. خواسته بود که با این حرفهای خود زهر چشمی به جهان نشان بدهد. و دول مخالف خود را از همکاری با القاعده و طالب بر حذر داشته باشد. گفته بود هرکی که با ما نیست با دشمن ما است این ژورنالیست نمای سایت آزمون ملی آگاه هاته و یا غیر آگاه هاته جمله بوش را تمسک گرفته و به این فکر است از وقتیکه عطا محمد جنگسالار اعلان پشتیبانی خود را از داکتر عبداللہ عبداللہ مغز متفکر و شاگردک وفادار احمد شاه مسعود مانند حفیظ الله امین شاگرد با وفا

پشتیبانی خود را از داکتر عبدالله مشهور به "بچه گک" اعلام کرد. این ژورنالیست کور خانه نشینی که از بغداد خبر دارد گفته: کرزی هم می‌خواهد از عین مقوله علیه مخالفین خودبیکار ببرد.

بباید اول این مقوله راریشه یابی کنیم و بعد بگوییم که این مقوله سرمخالفین کرزی تاثیر دارد یا ندارد تا درسی به ژورنالیستی که آب نادیده پا آموزه کشیده در آینده شود.

طوری که شما می‌دانید بیش از دو صد سال قبل دزدان و جنایتکاران و مردمان فقیر انگلیس به امریکا و کانادا سفر کردند، دولت امریکارا ساختند فرهنگ، کلچر، زبان و خصلت خونی شان یکی بوده و از ضرب المثل های عامیانه مشترک در مجالس و نوشته های خود خصوصاً طنز نویسان شان استفاده می‌کنند.

۱- این مقوله هرکی بامانیست باداشمن ما است اولین بار در جنگ دوم دنیا سر زبان های سیاست مداران امریکایی و انگلیسیها که توانسته باشند آن را علیه مخالفین شان که طرفدار هتلر رهبر المان بودند بکار بردند.

در زمان جدا شدن پاکستان و هندوکسانیکه می‌خواستند مسلمانانی که جدایی طلب بودند مسلمانانی را که در هند می‌مانده بودند، مانند ذاکر حسین و غیره راتهدید کرده باشند هر مسلمانانی که مخالفت بارهبری جدا شدن مسلمانان از هند می‌کنند اگر مسلمان هم باشند دشمن ما هستند

زمانیکه حفیظ الله امین موفق به کشیدن ببرک و دیگر پرچمی گکها از افغانستان شد آن وقت تره کی به روس و کیویا نرفته بو، تره کی کشته نشده بود و گلاب زوی، مزدور یار، اسداله سروری، اسلم وطن جار در سفارت چکوسلوکیا و بعد در سفارت روس پناهنده نشده بودند امین که از نفوذ خانواده و قوم گلاب زوی در دوطرف خط دیورند آگاهی داشت از گلاب زوی خواهش کرد که بین دولت کابل و گلب الدین حکمتیار که در قوم مانند حفیظ الله امین خروتی بودند نسبت به دیگر مجاهدین مطرح بود میانجی گری کند و قتی که از طرف دولت کابل چراغ سبزه گلب الدین حکمتیار نشان داده شد سیاف از دهمزنگ کشیده شده بود و هنوز در توقیف کابل به سر می‌برد.

احمد شاه مسعود توسط آقا جان برادر پهلون احمد جان پنجشیری پسر مدیر صاحب محمد صدیق خان حاجی گلستان مامای پهلون احمد جان از پاکستان به نورستان و از نورستان به پنجشیر آورده نشده بود.

تنظیم هابشکل جداگانه و رسمی عرض اندام نکرده بودند، گلب الدین حکمتیار بخاطری که قبل از دیگران با دولت کابل به موافقه رسیده باشد دیگر سران مجاهد که تازه به خود سری و یکه تازی به دستور آس آی تازه به سرشوردادن اینجا و آنجا به کمک آس آی شروع کرده بودند خصوصاً خود سری های بزدلانه احمد شاه مسعود همکاب قبلی خود راتهدید کرده باشد در چوک یادگار بکمک طرفداران خود و ارباب طاهریشاوری که نفوذ در سرحد و پشاور داشتند گردهمایی را به راه انداخت و در آن گردهمایی بخاطر تهدید مجاهدین پراکنده و مزدور که گفته اند خاین خایف است مرد چشم سفید که در بین خود خاینین و ملت افغانستان و جهان شهرت بین المللی در پیر رویی داشت و دارد در آن گرد همایی فرمایشی گفت: هرکس که با حزب اسلامی در داخل و خارج نیست اگر مسلمان هم است نظریه فتوای مولوی صاحب تره خیل شیخ الحدیث مشهور افغانستان کافر و مرتد است. اورادشمن خود و همکار دشمن خود می‌دانیم.

دوشب بعد از بیانیه و گردهمایی شیطان بزرگ حکمتیار بخاطر تهدید مخالفین خود حفیظ الله امین هم در یک سخن رانی خود گفت: کسی که بامانیست با دشمن ما است.

وقتی که می‌خواست بوش در افغانستان و عراق حمله کند بخاطر تهدید دیگر دولت ها و بخاطر گرفتن رای ملل متحد گفت: کسی که باما نیست با طالب القاعده و بنیادگرایان اسلامی است.

از این مقوله هر دکتاتور و قدرت طلب و جاه طلب سوء استفاده کرده اگر بتواند استفاده می‌کند و جای شک نیست اگر کرزی هم بتواند از این نیرنگ استفاده می‌کند. ولی دکتاتوران و جاه طلبان کم زور از این مقوله به نفع خود استفاده کرده نمی‌توانند. کرزی که از جمله سیاست مداران مکار است می‌داند که پشتی بانی خورد ضابط و یا سر شانه جنرال از عبدالله عبدالله و کسی که از او پشتیبانی می‌کند و یا از یک کاندید دیگر در صلاحیت خود آن نیست و عطا محمد نور مظلوم هم به اختیار خود نبوده و بر طرفی آن هم از صلاحیت کرزی و وزیر داخله نیست این راهمه می‌دانند و طفل ده ساله هم می‌داند. چنانچه به دستور کرزی سه نفر از سران ادارات بلخ که در آن جمله امر جنایی پولیس هم بود توسط وزیر داخله کرزی که از نگاه قانون در حد صلاحیت وزارت داخله دولت کرزی تبدیلی آن مقامات بوده است وزارت داخله بخاطر مخالفت ستر جنرال و ارخطا نتوانست که اشخاص مورد نظر خود را جا بجا کند. چرانویسنده

و مفسر سبب آزمون ملی ندانسته است خداوندی وی رحم کند تا کمی عقلی به او بدهد. و از واقعیت گویی ما خدا کند که آزرده نشود. تحلیل سیاست دانش تجربه و تحصیل مسلکی می خواهد. ضرب المثلی در وطن ما از قرن ها در بین مردم عوام ما سر زبان ها بوده گفته اند: گره خری خرمن بمالد حاجت گاو ان نیست.

۲- در مقدمه این نوشته در بالا نقاب از روی چهره کسانی که در انتخابات و در ساختن دولت افغانستان و منطقه نقش داشتند و دارندانگشت شماری کردم در سرزمینی که هیچ وقت انتخابات لوی جرگه، شورای ولایتی، شورای ملی، مجلس سنا شفاف نبوده و ملتی که سواد ندارد و حق تصمیم گرفتن ندارد و بخاطر شفاف نبودن انتخابات نمی تواند حتا بد را از بد تر ترجیح دهد. دست های دیگری در نظر و انتخاب افراد و اشخاص ملیت های من نقش دارد و اگر خواسته باشند که انتخابات پوشالی را رد کنند توانمندی رد صلاحیت را دارند و هم می توانند در قسمت انتخابات که به آنها غیر شفاف بودن آن ثابت است سکوت کنند. ولی خرید شده ها بخاطر فقر مجبور استند به پای انتخابات نه بخاطر سرنوشت وطن و ملت خود بلکه بخاطر پول و زور می روند از ناچاری است

در مملکتی که به نسبت تسلط اجنبی و استعمارگران، متجاوزین امپریالیست. همسایه ها یش، نبودن نظام درست سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، عدالت اجتماعی، آزادی های دموکراتیک، و احترام به پرنسب های حقوق بشر، استقلال، حاکمیت ملی، حفظ تمامیت ارضی، آن در خطر قرار گرفته و کدام عقل سلیم قبول کرده می تواند که در چنین مملکتی که روبرو با چنین خطرات دور از مزایای انسانی و مدنی تا حال برخوردار نشده در فقر و پسمانی و بی عدالتی و زورگویی انارشیست های دولتی قرار دارند. انتخابات شفاف در آن جا صورت بگیرد. یا کرامات خارق العاده حضرت مجددی و مسلمانی و پاک رهبران جهادی و ریش تا سر ناف آقای سیاف و یار و اح پاک احمد شاه مسعود قهرمان ملی!!! و محمد ظاهر شاه بابای ملت!!! سبب معجزه ای شود که انتخابات شفاف صورت بگیرد. در غیران بگفته آقای سیاف سرتاسر این خاک آلوده به شرک و کفر شده آبادی ها ویران شود و این ملت کشته و نابود گردد. مرده های زمان عثمان (ص) و حضرت عمر از قبر کشیده شود. تحت فرمان شاه دوشمشیره که در پهلوی دریای کابل دفن و توسط مردم و مدافعین آن وقت وطن کشته شده است. دوباره زنده شود و ملت افغانستان را از مرد تا زن از پیر تا جوان و طفل از هوشیار تا دیوانه را به فرمان آی اس آی شلاق بخاطر مرتد شدن بزند. شاه دوشمشیره که بگفته ملت خوش باور افغانستان دور از منطق دین و انسانی سر بی تنه جنگ می کرد ملیت های وطن ما را مسلمان کند و یا در پهلوی جابر انصار سر بزند و دفن کند و سایت کابل ناتمه که هندو است ببندد. و به سیاف اختیار فتوای مذهب چتل و هابی را بدهد. تا به زور از طرف دلقکان دین سر ملیت های افغانستان یک بار دیگر دین مطلوب نظر شان را بزور بقبولاند و حکومت اسلامی مطابق میل جاسوسان، استعمارگران و اعراب مرتجع بسازند.

مردم بی خبر از خود افغانستان عاشق اسلام که بیشتر از میلیون ها دالرا به اثر تبلیغ و تشویق سیاف و دیگر وهابی ها در دامن عرب سعودی مفت خوار و وظیفی بریزند. و عرب ها پول های مردم خوش باور خود ما را که از اسلام خبری ندارند. دوباره بدست آدمکشان و ویرانگران بدهند. تا ملیت های افغانستان بدست القاعده، مجاهد، طالب، اخوان چتل مکتبی، و بنیادگرایان، بز پرستان و جاسوسان پاکستانی کشته شوند. و آنها به اهداف سیاسی خود که انتشار مذهب چتل و هابی که از طرف یک جاسوس انگلیس بدستور انگلیس بخاطر دوام و حاکمیت خانواده سعود و اعراب مرتجع سیاست های خود انگلیس در منطقه به شکل یک مذهب چتل در آمده از آن در جامعه اسلامی نفع ببرند. بگفته سیاف و دیگر شیاطین تا وقتیکه شهر کابل و دیگر ولایات افغانستان ویران نشوند. و مردم آن از بین نروند. در غیران خاک افغانستان پاک نمی گردد و نماز بخاطر نجس بودن خاک افغانستان قابل قبول خداوندی که از آن سیاف شناخت نزدیک دارد خاک افغانستان قابل عبادت نمی باشد.

مشکل این جا است که نه مارک تو این افغانی از ترس تاجران دین به افغانستان رفته می تواند که از ریش سیاف و ربانی و حضرت و دیگر شیطان ها بگیرد. و به دهن شان باکییل طالب بزند و از پیش شان پرسیان کند. که یک نان چند فطیر است. و پرسیان از شیادان کند.

این دینی را که شما شیاطین می شناسید. خدایش حافظ دینش نیست. شمارا ضامن دین ساخته و مقرر کرده. در کجا در حالت ضعف و ناتوان مانند جعدی افتاده. که شما دین آن را حفظ و حفاظت و پشتی بانی و نشر می کنید. که داکتری برای تدای آن جعد مرموز که بنام خدا شما آنرا رویکش تجارت دینی خود ساخته اید مارک تو این افغانستان بخاطر آن جعد دیوانه از کانادا داکتر جهت تدای جهت تدای بفرستد تا ملیت های افغانستان از دست خدای روی کش کار شما نجات پیدا کند.

خدایی را که من می شناسم و خدای مسلمانان واقعی است ظلم ویرانی بی عاطفگی خشونت جنگ را نمی پذیرد آبادی عاطفه، بنده دوستی، انسان دوستی، یتیم پرسی، بیوه پرسی، زیبایی، رحم، ترحم، کمک، دست گرفتن بندگان

در کتاب رهنمایش که قرآن است دیده می شود. از ۹۹ نام و صفت او یک صفت آن قهار است، دیگر همه صفات او لطف و کرم است و هر کسی که از کتاب او تفسیر خشونت می کند یا قرآن را نمی داند یا از جمله شیطان زمان است که از خدای صادق و راست و بامحبت تعبیر خشونت و کج روی دارد.

آیا ملتی که در دام چنین بی خدایان قرار دارد. بخود و به مردم خود. و به وطن خود چه کرده می توانند؟ معلوم است. که هیچ چیز بخود. و ملت خود وطن خود کرده نمی توانند. مظلوم واقع شده اند. داریی های عامه در جیب جنایت کاران مانند سیاف و امثال سیاف رفته و می رود.

جوانان ما را به مواد مخدره سر دچار میکنند و پول آن همسایه های افغانستان و درجیب طالب، مجاهد، و دولت کابل و استعمارگران و مزدوران استعمار گرو اعراب مرتجع و ناتوسرازی می شود. همه چیز در دست بیگانه ها و مزدوران استعمارگران و تاجران دین و مذهب بنام مسلمانان قرار دارد. رأی و انتخابات پوشالی در قسمت شفاف و غیر شفاف بودن انتخابات ملیت های ما با وجودیکه رای میدهند یا نمی دهند بخاطر مداخله گران و نوکران شان نقش ندارند

پس چطور ما و جهان گفته می توانیم: که انتخابات در افغانستان شفاف صورت گرفته و رییس جمهور موجوده ما از قماش احمدی نژادها نیست.

**۳- ملیت های یک مملکت تا از سواد نسبی برخوردار نشوند، دانش ملت سازی سالم بشکل یک آیدیای سالم در مغز شان به اساس کسب دانش و تجربه بوجود نیاید، ویرانی، نابسامانی، کشتار، چور، چپاول، مزدوری و وطن فروشی، استعمار پذیری، قاچاق بری، تفنگسالاری، اختطاف، رشوت ستانی، انارشیزم، بیروکراسی، قتل، جنایت، بی اعتمادی در بین مردم و حکومت، حکومت دین گریبان گیران دولت و جامعه باشد، مردم آن سرزمین آرام نمی شود، وطن شان آباد نمی گردد، اخلاق نقد پذیری و تحمل پذیری را سرمشق خود ساخته نمی توانند، در پهلوی ممالک مترقی دموکراسی حقوق بشر قرار نمی گیرند، خود را جز ممالک و مللی که انسان و انسانیت حقوق مرد و زن حقوق مدنی بامعیار های انسانی قوانین بین المللی در مملکت بشردوست وجود دارد، مورد قبول مردم عقب مانده واقع نمی نشود، ملتی که همیشه در فکر کمک و چشم به جیب دیگران دارند، آن ملیت ها نه بدرد خود میخورند و نه بدرد ملیت های یک مملکت، تا به پای خود استاده نشوند، اکثریت مردم با سواد نشود به وطن به مردم به انسان و انسانیت صادق نباشد، منافع انسان و انسانیت و منافع وطن و مردم خود را از منافع خود و اولاد خود و فامیل خود و قوم و نژاد و هم زبان و دین و مذهب خود بیشتر نداند، و حکومت دینی را مردود بشمارند، که سرنوشت مردم و وطن را در دست خود بگیرند. و نداند که حکومت دین خطرناک تر از هر حکومت بوده است. در جائیکه حکومت دین حاکم است انسان آنجا ارزش انسانی ندارد، انتخابات شفاف و قابل قبول صورت نمی گیرد، و بدبختی آن ملیت ابدی است اگر خواسته باشید، که انتخابات شفاف حقوق زن و مرد و قوانین انسانی و ملیت ها به ملت واحد تبدیل و سرزمین تان آباد و مردم شما آرام شود و گوشش کنید، که ملیت های ساکن افغانستان با سواد شوند و حاکمیت دین از حکومتدار خلاص شود، همان طوری که دست کلیسا هارا از حکومت کوتاه کردند. شما هم دست تاجران دین و مساجد و روحانیون منفعت طلب و دلقکان دینی را از دولت قطع کنید و مبارزه علیه این نوع سیاستی که در جامعه مذهبی به یک سرطان خطرناک در جهان تبدیل شده حتی دزد، قاتل، جانی، که این حکومت به نفع شان است در پهلوی حکومت دین سرنمایی دوام این نوع سیستم خطرناک را می زنند. ملیت های افغانستان درک کنند که چه نیم کاسه های در زیر این کاسه پنهان حکومت دینی است. اگر جلوی این نوع سیستم مزخرف گرفته نشود و دست تاجران دین از دولت کوتاه نگردد. ما و شما ملیت های بیخبر از خود شاهد بدارزدن هزاران گالیله و شاهد هزارها سقراط محکوم به زهر حتمی باید باشیم. و هیچ وقت از تاجران دین نترسید که شمارا تکفیر می کنند یا مانند سلمان رشدی سر تان جایزه می گذارند و یا مانند خانم تسلیمه نسرین بنگله دیشی شمارا مجبور به ترک وطن می کنند. بگذار که مرا مرتد کافر بی دین بگویند ولی ملت افغانستان می داند که من نه کافر استم نه مرتد استم و نه نامسلمان استم و نه به اندازه من اسلام و دین اسلام و دیگر ادیان را این تاجران دین می دانند و می شناسند. من در یک خانواده روحانی مسلمان چشم بدنیا کشیده ام و تمام تحصیلات خصوصی و اکادمیک خود را در شریعت و اسلام به پایان رسانیده ام اگر من مرتد و کافر شده باشم معلوم است که در چانته اسلام و دین چیزی نبوده من آن را آگاهانه ترک گفته ام و به آن افتخار می کنم که من توانسته ام راه بخود پیدا کنم که وجدانم راحت باشد. اگر شما تاجران دین مجاهد طالب اخوان مکتبی حامیان تقلبی دین و مذهب و القاعده با این حرفهای پوست کنده من مرا نشناختید تا حال بد بختی و بی شعوری خود شما و خدای جغد مانند ویرانه ها دین خیالی خود شما استید. من اولین کسی بوده ام که مخالفت خود را علیه حکومت دین به آمدن مجاهدین در افغانستان ابراز کردم و هم نیرنگ های ظاهر شاه را مردود دانستم و به ملیت های افغانستان هوشیار باش جدی دادم. بگفتم که در مبارزه قربانی حتمی است آنکه در راه مبارزه و در راه انسان و انسانیت بخاطر دفاع از انسان و انسانیت آزادی وطن از دشمنان انسان و انسانیت می ترسد بزدل ترین فرد بشر است ایمان آن هم کامل نیست. و حضرت علی (رض) مقوله دارد می فرماید: بزرگترین گناه ترس است. من به پیروی از مقوله جد خود ترس را بزرگترین گناه بر خود ملیت های افغانستان می دانم. (در جامعه که مساوت**

وجود ندارد، عدالت بنام است ظلم حکمفرما است فرض ترا تمام عبادات خداوندی قیام مردم بر علیه آن حکومت خصوصاً حکومتی که خود را تطبیق کنند قوانین دین الهی می داند. و اطاعت از امر چنین دولت گناه کبیره است. که نه قابل بخشش خدا می باشد و نه قابل بخشش انسانهای صادق و با وجدان) " هستی".

امین بر مردنت صد ها آفرین باد

که افشا شد به مرگت مرد بدزاد

نخورد آن سوپ تلخ زهر مار را

وطن برباد نمود روسان دلشاد

سرود، شعر کلش نکوف روسی

که تا خواند سرو داش کارگر خاد

بخاک و خون کشند باز میهن را

بنام خدمت و عدل و کاتید آزاد

تکرار حسن

۳- عاشقان کشتار و کلشینکوف شعر گفتند و کشتند و من بر قربانیان کلشینکوف شعری سرودم که مشخصات آنها بدست تاریخ نویسان درج تاریخ شود. و نفس گرم این شعر را در تاریخ دست نویس خود گرم نگه دارند. که این شعر در حقیقت منار گمنام شهدای آزادی وطن است که تا حال بنام اش چنین مناری بنیاد نشده.

قصاب نکشد آنکه بز لاغری باشد

زانکه نه زبید بچنگک تن او

آنرا بکشند که چاق و فربه باشد

از دور نمایان شود قامت او

بی آنکه بگوید صفت اش قصابان

از دور به چشم خریدار نمایان باشد

گردست بجانش ببرد قصابی

آن قسمت آن موردتانید خریدار باشد

من نی بز لاغرم و نی بز دل

بر نغمه گارد بسرایم همچو

مانند زولانه پای

که سراییده در زندان



هرگز نترسم ز قصاب و قاتل  
که شده بر ریختن خونم مایل  
زانکه من عهد نوشتم بخون رگ خود  
کردم پیمان بحق بی چون و چرا  
استم استاده به آن پیمانم  
خوش به آنم که در ره وطنم جان دهم  
تا که یکقطره خون از من باقیست  
بکنم بی دریغ  
در ره آزادی خاک، سر خود قربان  
ترس دارم که در زیر لحافی بمیرم روزی  
گر بمیرم نکنید دفن و کفن هرگز مرا  
زانکه آن مرگ به من ننگ باشد  
گرزند دشمنان به سینه ام تیری  
"تابوت مرا ز چوب شمشاد کنید"  
بی کفن دفن بر قله بلند  
رو بروی باد کنید  
تاباد بیارد زهر گوشه دامن دامن  
به من بوی وطن  
تا که از بوسه باد  
آرام بگیرم به لحد  
این وصیت بتو کردم جوانان وطن  
هر کجا ناله آزادی سردادید  
یا که دشمن بخاک یکسان کردید  
یاد از من ناشاد بکنید  
نوجوانان وطن

بسرایدبه آوازبلند

که سرودم بتونسل جوان

باشداین تحفه" هستی " بتوتابد

طوریادگارنگهداروبخوان

این سروده بکن وردزبان

تابروزی که بخیزدشهدا

تاکه شاهدبگیرند

لکه های " دامن قصاب"

زیر پا بشکنانند کلشنکوف خاد

نوت:

۱- تا که شاهد بگیرند لکه های دامن قصاب. مقصد ازروز فرارسیدن روزی است که ملت توان محکمه کردن سران حزب دموکراتیک خلق ، سران مجاهد ساخت آس آی پاکستان ، طالب مزدور و چپ و راستی که همکاری به مجرمین جنگ، کشتار و ویرانی مملکت کردند. دیروز سوسیال امپریالیست از خاینین دفاع می کرد امروز امپریالیست روزی فرابرسد که ملت خودشان بدست خودحق محکمه خاینین راداشته باشند. وثابت کنندکه خاینین لکه های دامن قصاب استعمارگراست. و به اساس محکمه خاینین از استعمارگران غرامات جنگی گرفته شود. به امید آن روز که حق به حق دار برسد و صدای کلشنکوف در وطن ویرانم شنیده نشود و قلب ملت بی دفاع را نشکافد و سرود کلشنکوف سرود جاسوسان نباشد و از نام کلشنکوف انسان نفرت داشته باشد .

۲- داکتر عبدالله عبدالله که از پدريشتون و از مادر فارسی زبان پنجشیری است یکی از دستیاران نزدیک احمدشاه مسعود بود که در قرارداد ننگین سالنگ و پروتوکل مقدماتی جبل السراج که توسط داکتر عبدالله عبدالله و عبدالوکیل پسر خاله ببرک کارمل مسوده شده به امضای داکتر نجیب و احمد شاه مسعود رسید در سیف دفتر یعقوبی رییس خاد حفظ بود. بعد سقوط دولت نجیب و پناهنده شدن داکتر نجیب در دفتر ملل متحد که یعقوبی و باقی بخاطر آن اسناد پا فشاری کردند بخاطر اسناد محرم توسط دارودسته شورای بزپرستان نظار به دستور روس کشته شدند نه تنها احمد شاه مسعود محکوم تاریخ است اینها هم از جمله بازماندگان جنایت پیشه ها هستند. امروز از دست داشتن با پرچم و مجاهد و دولت کرزی و آوردن استعمارگران و مساعد ساختن آمدن وحشی ترین انسان ها بنام طالب که جنگ های تنظیمی کابل و ولایات افغانستان سبب آمدن اینها شدانکاری کنند و دم از آزادی و استقلال می زنند و خود را بی شرمانه کاندید آزاد و مستقل می دانند. در حالیکه فرق بین اینها کرزی و دیگر وطن فروشان که خود را کاندید کرده اند نیست جبهه متحد آشکار که از طرف چپ و راست بدنام و تمام جنایت کاران سه و نیم دهه ساخته شده و از داکتر عبدالله عبدالله پشتیبانی مستقیم می کند باز هم با بی حیایی و بی شرمی کلمه مستقل و آزاد را بر زبان می آورد. و ملیت های افغانستان را با این دروغ های شاخدار خود میخواد که فریب بدهد از یکطرف نشان ندهد که با این جنایتکاران است و طرف دیگر نشان بدهد که بی طرف و مستقل است در حالیکه به اساس اعلان خود جبهه بدنام پشتیبانی می شود. امید است که وکیل وزیر خارجه داکتر نجیب که در سویس زندگی می کند و آقای نبی عظیمی وجدان خود را مدنظر گرفته در این وقت حساس بملت بیچاره ورنج کشده دریک مقاله ارتباط داکتر عبدالله عبدالله را با حزب دموکراتیک خلق و شورای نظار و مجاهد و نقش اساسی آن را در پروتوکل جبل السراج با در نظر داشت وجدان خود بی طرفانه نوشته کنند و مسؤولیت خود را در برابر وجدان و ملت خود رفع سازند . خداکند با این تقاضا عوضی دق الباب ننموده باشم.